بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا العبدالموید و الرسول المصدد المصطفی الامجد ابی القاسم محمد.

لَيْسَ‏ الْعِلْمُ‏ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ‏ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ فَإِذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِم‏

 خدا را به عظمت و نورانیت وجود مقدس خاتم انبیا محمد مصطفی ص و نور دیده ی آن بزرگوار آقا امام صادق ع ، قسم می دهیم ، از توجهاتش در دنیا و آخرت بهره ی کافی و نورانیت کافی و وافی را عنایت بفرمایند ، صلوات بفرستید.

خداوندا قلب مقدس و نورانی امام عصر عج را از همه ی ما راضی و ما در تحصیل رضا و جلب نظر آن وجود شریف و نورانی توفیق هرچه بیشتر عنایت فرما ، سلامتی امام عصر عج صلوات دیگری بفرستید

 برادران عزیز ، یک طلبه ی موفق چند خصوصیت بسیار اساسی و مهم دارد.این خصوصیات را هم از حالات علما می توان به دست آورد،هم از روایات می توان به دست آورد و هم مقداری تجربه ی عملی خود بنده است.بالاخره از ابتدایی که بعد از پیروزی انقلاب وارد جریانات مختلف فکری شدیم و زمانی مثل شما عزیزان تا حدودی دنبال مسائل مختلف دینی بودیم و به اینجا رسیدیم و حالا می خواهم از مجموعه ی این ها یک نکته عرض کنم.

 کسی که وارد حوزه علمیه میشود اولین مساله ی مهمش باید هدف متعالی اش از ورود به حوزه باشد که هدف متعالی ما در عصر غیبت،اول آماده کردن خودمان و محیط اطراف برای ارتباط با امام عصر عج می باشد. در عصر غیبت روایات به ما می گویند که مهمترین دغدغه ی یک شیعه باید این باشد که چه کار بکند که ارتباطش با امامش برقرار شود ؟

 باید همه یک چنین دغدغه ای داشته باشند و ما طلبه ها اصلا آمدنمان به حوزه باید برای این هدف باشد یعنی اگرالان به من بگویند:شما می توانی به دانشگاه بروی یا یک مدیر اجرائی موفق در نظام شوید – در نظامی که به تعبیر آیة اله مشکینی دست رفتگرش هم باید بوسید و به این نیت کار کند که خدمت به نظام امام زمان عج می کند - و خیلی کارها و میدان ها که می شود وارد شد و کار انجام داد ، اما چرا وارد حوزه علمیه شده اید؟ همه در این نظام تحت امر و مرتبط با امام زمان عج هستند،اما چرا حوزه را انتخاب کردید؟ باید در نیت من این باشد که حوزه به معنای اخص اش متصل به امام زمان ع است.اگرچه همه نظام متصل اند و همه باید تک تک ساعات و لحظاتشان به یاد امام زمان و در ارتباط با او و در مسیر خدمت به او باشد،اما حوزه یک معنای اخصی باید داشته باشد.

 برادران من از خود می پرسم که آیا من هر روز و هرلحظه توانسته ام این هدف را در خودم زنده نگه دارم ؟ آیا من به عنوان یک سرباز امام زمان که در سربازخانه حضرت وارد شده ام،توانسته ام این نیت را برای خود حفظ کنم ؟افرادی مثل حضرت امام،شهید مطهری و حضرت آیة الله جزائری توانسته اند در زندگیشان این هدف را حفظ کنند.

 فردی مثل شهید مطهری وقتی که احساس کرد اسلامِ امام زمان احتیاج به ایثار دارد ، حوزه علمیه قم را رها کرد ، علامه طباطبائی را رها کرد ، امام را رها کرد وبه دانشگاه تهران وارد شد و کتاب داستان راستان را نوشت تا سربازیش را نسبت به امام زمان اثبات کند.ایشان در مقدمه کتاب عدل الهی می گوید من چندین سال است دارم قلم می زنم و در هیچ زمینه ای قلم نزده ام الا اینکه احساس کردم اسلام به قلم من احتیاج دارد و در هیچ زمینه ای سخن نگفتم الا اینکه اسلام احساس کردم اسلام به سربازی من در آن زمینه احتیاج دارد.(اين بنده از حدود بيست سال پيش كه قلم به دست گرفته، مقاله يا كتاب نوشته‏ام، تنها چيزى كه در همه نوشته‏هايم آن را هدف قرار داده‏ام حلّ مشكلات و پاسخگوئى به سؤالاتى است كه در زمينه مسائل اسلامى در عصر ما مطرح است. مجموعه‏آثاراستادشهيدمطهرى ج‏1/مقدمه/ص : 37)ایشان در آن جزء خواص درس فلسفه امام و علامه بود،اما احساس کرد باید کتاب داستان راستان بنویسد و احساس کرد که باید با اساتید آنچنانی دانشگاه تهران ایجاد رفاقت بکند تا زمینه ی انقلاب را در دانشگاه تهران به وجود بیاورد ؛ مثلا نهضت ازادی ، شریعتی و ... که درصدد جدا کردن تهران از حوزه بودند.ایشان این وظیفه را دریافته بودند که باید آنجا را اصلاح کند که اصلاح هم کرد.چراکه این توانایی و اخلاص و تقوا را دارا بود که سرباز امام زمان باشد که با همه داشته ها باید در هر زمینه ای به وظیفه اش عمل کند.

 همه باید در عصر غیبت در ارتباط با امام زمان باشند اما منِ طلبه ازهم اکنون که وارد حوزه شده ام باید یک چنین آینده ای را برای خودم تصویر کنم واین آمادگی را در خودم به وجود بیارم.

 مرحوم مطهری پس از شهادت به همسر خود گفته بودند که وقتی که تیر به مغز سرم خورد و افتادم،سرم روی زانوی پیامبر ص افتاد.همسر ایشان در فقدان ایشان خیلی گریه می کرد.به همسرش گفت که چرا اینقدر گریه می کنی ؟ از طرفی پیامبر ص و از طرفی آیت الله عبدالکریم حائری به من گفتند: مرتضی خوش آمدی. این سرباز، ین افق را دیده و در این مسیر حرکت کرده، قلم زده و سخنرانی کرده و اخلاص به خرج داده و جریان سازی کرده است.لذا می بینیم چگونه از سوی پیامبراسلام و موسس حوزه مورد ستقبال قرارمی گیرد.

 اگر مدرسه ی ولی عصر طلابی کمتر از شهید مطهری و آیت الله جزائری برای انقلاب تربیت کند بدانید همه ی ما در وظائفمان کوتاهی کرده ایم وباید جواب امام زمان عج را بدهیم.آیت الله جزایری در کوران انقلاب هم متولی اداره مسجد بوده اند و هم در امور انقلاب و جنگ را اداره می کردند. و از سوی دیگر فقیه مسلطی بوده اند. الان که بنده در درس خارج برخی آقایان قم شرکت و برخی مطالب را نقل می کنم با تعجب می پرسند کجا و نزد چه کسی این مباحث را خوانده اید؟ بنده در پاسخ می گویم اهواز در درس ایت الله جزائری و در شرائطی که کوران جنگ بود.

 من اگروارد حوزه ی امام زمان با قصد سربازی شدم، باید از الان تکلیف خودم را با خودم روشن کنم.من حق استراحت و خواب اضافه و صرف بیهوده وقت را ندارم.سربازان امام زمان باید زمینه ساز ظهور آن حضرت باشند.اگراین سربازخانه بتواند به وظائفش عمل کند،باید صدها مطهری صدها علامه طباطبایی صدها امام صدها ایت الله جزائری در این حوزه تربیت بشوند تا درمیدان های مختلف کارکنند.

 نیروهایی که حوزه تربیت می کند،ممکن است برخی از این نیروها که متخصص در مدیرت مسائل اجتماعی هستند،در تقوا ضعیف باشند،لذا تا وارد امور اجرایی می شوند دچار انحراف می شوند. و یا برخی که هم در مسائل مدیریتی قوی اند و هم با تقوا هستند،اما فاقد سواد کافی اند. و چون اجتهاد ندارند کم کم دچارانحراف خفی و پنهان می شوند.یعنی پس از مدتی فلان طلبه مقلد چند دانشجوی معمم منحرف که فاقد سواد حوزوی اند شده است.و این طلبه را وسیله ای برای اغراض خود قرار می دهند.واسلام را به وسیله طلبه های بی سواد یا بی تقوا و یا با طلبه های منفصل از مسائل سیاسی و اجتماعی دور می زنند.اینها مشکلات ما در حوزه است.

 امام علی علیه السلام می فرمایند: قَصَمَ ظَهْرِي رَجُلَانِ عَالِمٌ مُتَهَتِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ هَذَا يُضِلُ‏النَّاسَ عَنْ عِلْمِهِ بِتَهَتُّكِهِ وَ هَذَا يَدْعُوهُمْ إِلَى جَهِلِهِ بِتَنَسُّكِهِ. کمر مرا دو دسته شکسته اند ، خواصی که یا از جهت تقوا دچار مشکل اند یا از جهت علم.

 ما در سربازخانه ی امام زمان باید هدف را بشناسیم ، انگیزه را درست کنیم، خود را هر لحظه در ارتباط با امام زمان ارزیابی کنید.هر لحظه و هر صبح ؛ اللهم انی اجدد له فی هذاالیوم و فی کل یوم عهدا و عقدا ، را بخوانیم و این شعار ماست. برادران عزیز چند سال طلبه هستید؟امروززمانی را برای تامل و تفکر درباره وظائفمان قرار دهیم. چقدر درس خوانده ایم؟ چقدر کار اخلاقی و فکری و اجتماعی کرده ایم ؟ امام زمان غائب اند و مسئولیت متوجه می باشد.اولین مسئله ی مهم ما درک این مطلب است که باید صددرصد آماده باشیم.در سربازخانه ی امام زمان باید چند کار انجام بدهیم: یکی ندبه یعنی هی باید برای خودمان در فراغ امام زمان - از نظر تربیتی – نوحه و گریه کنیم. و دیگری تعلیم و تعلم است.اینها کارهای مهم ما می باشد.

 مرحوم ایت الله معصومی این عالم عظیم الشان نقل می کردند که یکی در جلسه ی ما بود دیدم دهانش بوی عطر عجیبی دارد.او را صدا کردم و گفتم تو چیکار می کنی که دهانت چنین بویی دارد؟ گفت من یک خواب عجیبی دیدم که در یک جلسه ای نشسته بودیم که وجود مقدس پیامبر وارد شدند و به ما فرمودند:کدام یک از شما زیاد بر من صلوات می فرستد؟همه ما ساکت شده بودیم چون نمی دانستیم کدام یک از ما بیشتر صلوات می فرستد.یک دفعه پیغمبر به من اشاره کرد گفت بیا جلو.گفت تو از همه بیشتر صلوات می فرستی و دهانشان را آوردند و با لب ها ی مبارک لبهای مرا بوسیدند.به همین جهت از آن وقت دهان من این بو را گرفته است.حال به خودمان بنگریم ببینیم بوی امام زمان می دهیم؟! بوی تقوا می دهیم ؟! یعنی الان که طلبه شدم وقتی به خانه می روم بوی من باید عوض بشود،ادبم باید عوض بشود یک طلبه ای نزد بنده آمد.به او گفتم چرا ملبس نمی شوی؟ گفت:حاج آقا هنوز به آن مقام نرسیده ام .گفتم یعنی تو واقعا می خواهی زمانی معمم بشوی که باور کنی به جایی رسیدی ؟! وای به حالت اگر این گونه باشد.بنده که الان عمامه گذاشته ام یقین دارم که چیزی نشده ام و به جایی نرسیده ام.اما از آنجا که در سربازخانه امام زمان ع به من دستور داده شده که معمم بشوم باید اطاعت کرد. به عنوان مثال الان به بنده دستور داده اند برای شما جلسه ی اخلاق برگزار کنم.و گرنه من کجا و اخلاق کجا...والله بین من و اخلاق ارتباطی وجود ندارد.ممکن است دوسال دیگر به شما بگویند براساس تکلیف شرعی باید مععم شوید.باید اطاعت امر نمود. اما وای به حال کسی که آن بو را ندارد،بندگی کردن را بلد نیست. برادران از این سفره زیبای امام زمان چقدر بهره برداری کرده ایم؟چقدر حالاتمان تغییر نموده است؟

 طلبه ای می گفت در نجف بودم مشکلی برای من پیش آمد.خدمت شیخ انصاری رسیدم و مشکل خود را مطرح کردم.شیخ اعظم گفتند فلانی تو باید به تبریز بروی.گفتم چشم.به خانه ی عالم بزرگ تبریز اقای امام جمعه نامی بود رفتم.شب رسیدم و گفتم مهمانتان هستم.من را به بیرون بردند و خوابیدم و زیاد هم مرا تحویل نگرفت.صبح دیدم در خانه ی ایشان را می زنند. دیدم این آقای امام جمعه رفت و دید بزرگ تجار تبریز آمده است و می گوید مهمان داری ؟ گفت بله ، گفت اجازه می دهی او را به منزل ببریم و پذیرائیش کنیم ؟سپس من را تحویل این تاجر داد.به منزل این تاجر رفتیم.همه تجار شهر هم در منزل او دعوت شده بودند.به همه غذای مفصلی داد.سپس گفت من خواب دیدم وجود مقدس امیرالمومنین سوار بر اسب به تبریز می آیند.گفت من به سمت ایشان دویدم و جلوی اسب و رکاب را گرفتم شروع کردم دست و پای اقا امیرالمومنین رو بوسه زدن.گفتم مشرف فرمودید.فرمودند:من حاجتی دارم که به خاطر آن به تبریز آمدم.من از خواب بیدار شدم گفتم امیرالمومنین از نجف به تبریز می آیند.پس حتما یکی از سربازهای علی از نجف به تبریز آمده است ومشکلی دارد.گفتم اگر این طلبه آمده باشد حتما دیشب به منزل عالم شهر رفته است.دیدم همان موقع که من خواب دیدم و امیرالمومنین آمده اند،این طلبه هم آمده است.دیدم امیرالمومنین خودشان مشکل را حل کرده است.علی ع شیخ انصاری دارد.شیخ به حضرت وصل است.شما نزدشیخ انصاری می روی و او هم شما را به حضرت وصل میکند. پس تا شیخ و امثال شیخ را پیدا نکنی ،به حضرت وصل نمی شوی.تا تحت امر و تحت تکلیف نباشی،تو را وصل نمی کنند. این حوزه صاحب و برنامه دارد.آن طلبه می گوید در آن جلسه مبلغ زیادی برای من جمع کردند که با آن پول در نجف خانه ای خریدم.

 معنا ندارد کسی بگوید من طلبه ی امام زمان هستم و مشکل دارم.چطور ممکن است تو مشکل داشته باشی ؟شما باید در این حوزه با این اصولی که عرض شد بتوانید کارهایتان را انجام بدهید.ایت الله شهید صدر می گفتند هرروز می رفتم روبروی ضریح امیرالمومنین ع و درس هایم را تکرار می کردم و هر وقت که نمی رفتم،حضرت به خواب بعضی ها می رفتند و می گفت به فرزندم سید محمد بگویید امروز مباحثه نیامدی.این همان شهید صدر است با تالیفات مهمش مثل فلسفتنا،اقتصادنا،مبانی منطقی استقرا... همسر مرحوم آقای مطهری نقل می کند که دیدم بدن ِآقای مطهری در خواب می لرزید.گفتم آقا چه شده است؟ دستم را گرفت و روی لبهایش گذاشت.هنوز گرم بود. گفت هنوز گرمی لبهایم که جای بوسه ی پیامبر است بر جای مانده است.ما وارد جرگه ای شده ایم که امثال شیخ انصاری،شهید مطهری،شهید صدر و مقام معظم رهبری قرار دارند.آیا متوجه ایم وارد کدام میدان شده ایم؟ باید جواب ثانیه هایی را که در اینجا می گذرانید بدهید ؟ هم درس بخوانید و هم تقوا و هم انجام مسئولیت های مختلف تحت امر افسر امام زمان و تحت امر این افسر بزرگواری که وقتی قم تشریف می برند و نزد آقای بهجت می روند،ایشان به آقا زیاد احترام می گذارند.ایشان می داند آقا ارتباط قوی دارند.

 چقدر باید کار بکنیم ؟! برادران سال تحصیلی تمام شد.امسال احساس می کنید امام زمان ازشما راضی است؟ امسال احساس می کنید به وظائفتان عمل کرده اید؟ نمره معدل کارنامه ظاهری و باطنی شما چقدر است؟

چند نکته:

نکته ی اول :داستان عنوان بصری و امام صادق ع خیلی زیباست.حضرت ابتدا عنوان را نپذیرفتند.بعد عنوان توسل کرد و سپس راه پیدا کرد.امام به او فرمود : ليس بكثرة التعلم و إنما هو نور من الله تعالى ينزله على من يريد أن يهديه. علم نور است ، چقدر این نور از کانون نور مهدی در این سال به قلوب ما تابیده است؟ خدا نکند وضع ما بدتر از بقیه بشود.بعد فرمود فاذااردت العلم فاطلب اولا فی نفسک حقیقة العبودیة؛ حقیقت بندگی را در خودت پیدا بکن و اطلب العلم باستعماله؛ به مسائلی که فرا گرفته اید چقدر عمل کرده اید؟ اگر واقعا می خواهید حرکت کنید ثم استفهم الله؛ از خدا طلب فهم کن؛ یفهمک؛خدا به شما می فهماند، این مساله را چقدر لمس کرده اید؟

 عزیزان هر کس به هرجا رسیده است؛از همین سه و چهار سال اول طلبگی اش رسیده است؛فونداسیون طلبگی ما از همین جا ریخته می شود. هر کاری بخواهیم بکنیم ؛ درس بخوانیم ، عبادت کنیم ، کار علمی و اخلاقی کنیم ، الان وقتش است. باید برنامه ریزی کنیم.مراقبه کنیم که ما در محضر مهدی در سربازخانه ی مهدی و در مدرسه ی ولیعصر تحت کنترل او برای آماده کردن خود و جامعه برای ظهورش می باشیم.این مساله نیازمند مراقبه و تمرین است.هرروز باید تمرین کنید.در این صورت نه نیازی به استاد است و نه مربی و نه معلم.بلکه خودتان استاد و معلم و مربی می شوید.

 خوش به حال آن طلبه ای که می گفت:من وقتی وارد حوزه شدم، خانواده راضی نبودند و خیلی مرا اذیت می کردند. یک روزبه خانه رفتم،دیدم انگار وضع بهتر شده است.به والده مراجعه کردم و گفتم قضیه چیست؟ گفت:پدرت خواب دیده که امام زمان آمده اند و فرموده اند که فلانی چرا این سرباز ما را اینقدر اذیت می کنی ؟ چرا افتخار نمی کنی عزیزت بر سر سفره ی ما آمده است؟ دیدم پدرت از خواب بلند شده و گریه می کند و می گفت آقا اشتباه کردم من از امروز ملاحظه ی سرباز شما را می کنم. برادران باور کنید خدا خیلی ما را دوست داشته که توفیق سربازی به ما عنایت کرده است.عمده ترین کار ما اینست که بنده ی خدا بشویم و بوی بندگی خدا از ما منتشر شود.

 مهدی جان شما باید عنایتی کنید و از ما دستگیری کنید و لذت فهمیدن و درس خواندن را به عنایت کنید.آمده است که شیعه ی در شهر حلّه خیلی عاشق بود و نیایش می کرد ؛دعا می کرد.وقتی فهمیده بودند این مرد شیعه است،او را به سختی کتک زدند و به خیال اینکه فوت کرده او را به زباله دان انداختند.و گوش و دماغش را نیز بریدند. فردا صبح دیدند ابوراجع صف اول نماز جماعت با صورتی نورانی و بدون اثری از آبله که قبلا در صورتش بوده، نشسته است.شیعیان حله به سراغ او آمدند و از وضعش پرسیدند. گفت وقتی من را به زباله دان انداختند.چون زبانم را بریده بودند تنها کاری که توانستم بکنم رو کردم به سمت مقام مهدی در حله،دیدم مردی نورانی به سمت من می آید و می گوید ابو راجع از ما چه می خواهی؟ گفتم آقا حالا که شما تشریف آوردید دیگر حاجتی ندارم. و دیدم آقا امام زمان دستی به صورت من کشید.و این صورت سیاه شده و آبله دار من نورانی شده و آبله ها از بین رفتند و حالم خوب شد.

 هر کس مقابل امام زمانش خوب خدمت بکند حضرت از او دستگیری می کند.حضرت اباالفضل العباس 34 سال در خدمت اباعبدالله بود.وقتی روز عاشورا یک لحظه صدا زد: یا اخا ادرک اخاک العباس؛برادر،برادرت عباس را دریاب.امام حسین با عجله آمدند. راوی می گوید از اسب پیاده شدند و چیزی را بلند کردند ومی بوسید و به چشمانش می مالید و نگاه به آسمان می کرد و نشان می داد.خدایاحسین چه چیزی دیده؟راوی می گوید نگاه کردم دیدم دست بریده ی ابالفضل است.

 خدا را به عظمت باب الحوائج ،به عظمت وجود مقدس اباالفضل العباس انشا الله حاجات شما توجهات شما به محضر مقدس آقا امام زمان بی پاسخ نماند و انشاالله قلب مقدس امام زمان از همه ی ما مخصوصا شما سربازان و ارادتمندانش راضی و خشنود قرار بدهد و انشا الله ما را در انجام وظائف سنگینمان نسبت به امام زمان در تبعیت از ولایت و رهبری در اطاعت از نماینده ی عظیم الشان آقا و مسئول حوزه ها ی علمیه استان توفیقات مضاعف عنایت بفرماید و انشا الله عاقبت امر همه ی ما ختم به خیر و ما را جزء یاوران مهدی فاطمه محشور بگرداند.

صلوات